

## شرایط صدور و آثار رأی جزئی در داوری؛ مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و حقوق ایران

عادل ابراهیم‌پور،<sup>۱</sup> سجاد نصراله‌زاده سردرود،<sup>۲</sup> وحید ملارسولی<sup>۳</sup>

### چکیده

در برخی موارد، شرایط صدور رأی توسط داور، ناظر به موضوع‌هایی است که شاید مقصود اصلی طرفین از مراجعه به داوری نباشد، اما برای شروع یا امکان ادامه جریان داوری ضروری است. این تصمیم‌ها که با عناوینی نظیر تصمیم میانی، تصمیم‌های مربوط به اقدامات احتیاطی و همچنین رأی جزئی تعبیر می‌شود، مباحث مهمی را در زمان تشکیل، جریان داوری، صدور رأی، شناسایی و اجرای آن به خود اختصاص می‌دهد که ممکن است شاکله رأی اصلی را تحت تأثیر قرار دهد. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و رویکرد تطبیقی، در پاسخ به این سؤال که مفهوم، شرایط صدور و آثار رأی جزئی به عنوان یکی از اقسام آرای داوری چیست، نتیجه می‌گیرد که به‌رغم قوانین ملی بعضی از کشورها و قواعد داوری سازمانی که به صراحت یا به طور تلویحی صدور این نوع رأی را مجاز شناخته‌اند، در قوانین ایران به ظاهر مقرره‌ای در این خصوص مشاهده نمی‌شود، اما با تدقیق در مقررات موجود می‌توان جواز صدور چنین رأیی را استنباط نمود.

**واژگان کلیدی:** داوری، رأی جزئی، رأی موقت، رأی نهایی، شناسایی و اجرای رأی داوری.

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)  
ebrahimpooradel@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
s.nasrollahzadeh@mail.sbu.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران  
Vahidmr1403@ms.tabrizu.ac.ir

## درآمد

داوری به عنوان مرسوم‌ترین شیوه حل و فصل اختلافات در تجارت بین‌الملل، در نهایت با صدور رأی خاتمه می‌یابد. داور یا هیأت داوران ممکن است در طول فرایند داوری تصمیم‌های مختلفی اتخاذ نمایند، این که تصمیم اتخاذ شده دارای وصف «رأی»<sup>۱</sup> باشد یا «دستور»<sup>۲</sup> آثار متعددی بر آن بار خواهد شد؛ از جمله این که تنها یک رأی می‌تواند موضوع اجرا یا درخواست ابطال قرار گیرد. همچنین توصیف یک تصمیم به عنوان رأی ممکن است بر اجرای برخی مقررات داوری تأثیرگذار باشد (Fouchard et al. 1999: 737). به عنوان نمونه مطابق ماده ۳۴ قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی<sup>۳</sup> «پیش از امضای هر رأی، هیأت داوری باید پیش‌نویس آن را به دیوان بین‌المللی داوری ارسال کند ... هیچ رأیی نمی‌تواند توسط هیأت داوری صادر شود مگر این که از نظر شکل توسط دیوان بین‌المللی داوری تأیید شده باشد»؛ بنابراین ارائه تعریفی دقیق و جامع از رأی داوری امری ضروری می‌نماید. نه تنها در اسناد بین‌المللی بلکه در قوانین ملی اکثر کشورها از رأی داوری تعریفی ارائه نشده است و در بیشتر موارد به بیان اقسام، شرایط حاکم بر صدور و شکل آن پرداخته شده است.<sup>۴</sup>

دادگاه فدرال سوئیس در پرونده‌ای (Swiss Federal Court, 1993: 735) تعریفی از رأی داوری به این شرح ارائه می‌دهد: «رأی داوری تصمیمی است که بر اساس یک موافقت‌نامه داوری توسط یک دیوان غیر دولتی صادر می‌شود که طرفین وظیفه تصمیم‌گیری در مورد یک اختلاف مالی با ماهیت بین‌المللی را به آن واگذار کرده‌اند». این تعریف به نظر جامع نمی‌رسد؛ زیرا به ویژگی قطعی بودن رأی اشاره‌ای

1. Award

2. Order

3. International Chamber of Commerce (ICC)

۴. به عنوان مثال قانون نمونه آنسیترال علی‌رغم تعریف رأی داوری در مرحله پیش‌نویس این سند به دلیل وجود اختلاف نظرهای فراوان، در متن نهایی این تعریف را حذف کرده است، تعریف ارائه شده در متن پیش‌نویس به این شرح بود: «رأیی به معنای یک رأی نهایی است که به تمام مسائل مطرح شده نزد هیأت داوری رسیدگی می‌کند و همچنین هر تصمیم دیگری از هیأت داوری که به طور قطعی هر موضوع ماهوی، مسأله مربوط به صلاحیت آن، یا هر موضوع دیگری مربوط به آیین دادرسی را تعیین می‌کند، اما در مورد اخیر، تنها در صورتی است که هیأت داوری تصمیم خود را به عنوان رأی عنوان کند» (Fouchard et al. 1999: 736).

نکرده و از سوی دیگر رأی را صرفاً شامل اختلافات مالی دانسته است. در تعریفی دیگر چنین آمده است: «رأی داوری سندی است که تصمیم دیوان را در تعیین موقت یا نهایی خواسته‌های طرفین ثبت می‌کند. این رأی ممکن است به اختلافات حقوقی یا واقعی بین طرفین مربوط باشد، شامل تفسیر مفاد قرارداد شود یا حقوق و تعهدات متقابل طرفین را بر اساس قرارداد تعیین کند» (Lew et al. 2003: 628). حقوق دان دیگری رأی داوری را صرفاً محدود به مسائل ماهوی دانسته و چنین تعریف می‌کند: «رأی به تصمیم یا تصمیمات نهایی دیوان داوری اطلاق می‌شود که کلیه مسائل ماهوی ارجاع شده به داوری را فیصله می‌دهد» (شیروی، ۱۳۹۱: ۲۵۷).

به نظر می‌رسد برای احتراز از اشکالات پیش گفته باید رأی را تصمیم نهایی داور در مورد تمام یا بخشی از اختلافی دانست که به آن‌ها ارجاع شده است، خواه این تصمیم مربوط به ماهیت اختلاف، صلاحیت آن‌ها، یا یک مسأله آیینی باشد که منجر به ختم رسیدگی شده و موجب جاری شدن قاعده اعتبار امر مختومه<sup>۱</sup> و فراغ داور<sup>۲</sup> می‌باشد (Fouchard et al. 1999: 737).

همان‌گونه که مورد اشاره قرار گرفت توصیف تصمیم داور به عنوان «رأی» و «دستور یا تصمیم» دارای اهمیت وافر است. آنچه مسلم است این است که تمامی آرای داوری، نوعی تصمیم محسوب می‌شود، اما به همه تصمیمات داور، رأی اطلاق نمی‌شود؛ در نتیجه اصطلاح تصمیم مفهومی کلی دارد و به نتیجه هرگونه بررسی یا تصمیم‌گیری دیوان داوری اشاره دارد، در حالی که رأی به تصمیمی گفته می‌شود که حقوق و تعهدات طرفین را تحت تأثیر قرار داده و معمولاً قابلیت اجرا دارد (Lew et al. 2003: 628). چنانچه در دعوایی (Paris Court of Appeal, 1999: 297) معروف به براس‌اویل<sup>۳</sup> حکم دادگاه پاریس نشان می‌دهد گاهی اوقات، یک تصمیم شکلی ممکن است در واقع یک رأی داوری محسوب شود؛ زیرا به‌طور مؤثر یک اختلاف اساسی میان طرفین را تعیین تکلیف می‌کند این حکم نام‌گذاری یک تصمیم به عنوان رأی توسط داور را تعیین کننده ندانسته و دادگاه را مجاز می‌داند با توجه به

---

1. res judicata

2. functus officio

3. Brosoil

ماهیت، آن را رأی تلقی کند. در پرونده‌ای<sup>۱</sup> دیگر ضمن اشاره به این مفاهیم، مهم‌ترین عامل در تعیین ماهیت تصمیم دآوری، اثر و کارکرد آن دانسته شده است و نه شکل ظاهری یا نامی که به آن داده می‌شود.

تفاوت دیگری که بین دو مفهوم یاد شده وجود دارد این است که دستور معمولاً مربوط به مسائل شکلی بوده که باید حل شود تا فرایند دآوری بتواند پیش برود به عنوان مثال اموری که به تعیین زمان و مکان جلسه رسیدگی می‌پردازد؛ در حالی که آرا عموماً مسائل ماهوی بین طرفین را حل و فصل می‌نمایند. از سوی دیگر معمولاً دستور پیش از صدور رأی نهایی توسط دادگاه قابل بررسی نمی‌باشد؛ اگرچه ممکن است توسط خود دیوان دآوری قابل بازبینی مجدد باشد. با این حال ممکن است دستوری به اندازه کافی نهایی تلقی شود که اجازه بررسی قضایی را بدهد (Mo-ses, 2008: 179-180). چنانچه در دعوی هیأت دآوری دستور موقتی صادر کرد که به موجب آن خواهان ملزم شد یک ضمانت‌نامه به عنوان وثیقه ارائه دهد. خواهان نسبت به این دستور در دادگاه اعتراض کرد. دادگاه ضمن تأیید دستور هیأت داوران اعلام داشت: «دستورات موقت، تصمیمات دآوری محسوب می‌شوند و بنابراین قابل بررسی توسط دادگاه هستند».<sup>۲</sup>

در این مقاله ابتدا به مفهوم رأی جزئی به عنوان یکی از اقسام رأی دآوری می‌پردازیم و ضمن تبیین تفاوت آن با مفاهیم مشابه، آثار این قسم از رأی دآوری را بررسی کرده و در نهایت به امکان صدور آن از منظر حقوق ایران خواهیم پرداخت.

### ۱. مفهوم رأی جزئی

رأی جزئی<sup>۳</sup> تصمیمی است که هیأت داوران تنها بخشی از خواسته طرفین را به‌طور مستقل از سایر مسائل اختلاف، به دلیل ماهیت و یا قابل تجزیه یا تفکیک‌پذیر بودن موضوع اختلاف مورد رسیدگی قرار داده و به‌طور نهایی حل و فصل می‌کند و بخش دیگری از خواسته طرفین را برای بررسی و تصمیم‌گیری در مراحل بعدی دآوری باقی می‌گذارد.

1. U.S. Court of Appeals (7th. Cir), 2000: para17

2. U.S. Court of Appeals (2d. Cir), 2003: para50

3. Partial Award

در عمل رأی جزئی معمولاً برای تعیین تکلیف جداگانه برخی دعاوی خاص صادر می‌شود؛ در حالی که سایر دعاوی برای بررسی‌های بعدی محفوظ می‌مانند. برای مثال هیأت داوری ممکن است رأی صادر کند که برخی دعاوی قراردادی را رد کرده یا آن‌ها را تأیید کرده و خسارت تعیین کند، اما سایر دعاوی غیر قراردادی طرفین را برای رسیدگی‌های بعدی باقی بگذارد (B. Born, 2012: 353).<sup>۱</sup> چنین رأی هم‌چنین ممکن است شامل مواردی مانند: صلاحیت،<sup>۲</sup> قانون حاکم،<sup>۳</sup> مسئولیت<sup>۴</sup> و میزان خسارت باشد. به عنوان نمونه در دعوی<sup>۵</sup> هیأت داوران در پاسخ به ایرادهای متعدد خوانده از جمله بی‌اعتباری موافقت‌نامه داوری و در نتیجه فقدان صلاحیت دیوان داوری، به درخواست خواهان با صدور رأی جزئی ضمن رد ایراد صلاحیت، خوانده را برای پرداخت قسمتی از هزینه‌های سازمان داوری مسئول شناخت.

هدف از صدور رأی جزئی در فرایند داوری افزون بر صرفه‌جویی در زمان و هزینه، می‌تواند تثبیت یک تصمیم خاص در مورد موضوعی به صورت برگشت‌ناپذیر باشد تا مراحل بعدی داوری سریع‌تر و راحت‌تر انجام پذیرد. همین امر باعث می‌شود در صورت تعویض داور در درازنای یک داوری طولانی مدت، فرایند داوری از ابتدا شروع نشود. مهم‌ترین هدف از صدور چنین رأی را می‌توان در این نکته جست‌وجو کرد که یکی از طرفین ممکن است بخواهد که یک تصمیم مثبت از داور در قالب رأی جزئی دریافت کند تا از آن برای شناسایی و اجرا تحت کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸<sup>۶</sup> استفاده کرده و به این ترتیب مانعی برای دادرسی‌های موازی در دادگاه‌های ملی ایجاد

1. The citation is based on E-Book

۲. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، بنگرید به: partial award in ICC case no 4402 (1983), Bahamian company and Luxembourg company v French company and an other French company, IX YBCA 138 (1984).

۳. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، بنگرید به: partial award in ICC case no 8113 (1995), XXV YBCA 323 (2000).

۴. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، بنگرید به: partial award of 5 February 1988 in ad hoc arbitration, Wintershall AG et al v Government of Qatar, 28 ILM 798 (1989), XV YBCA 30 (1990).

5. Vienna International Arbitral Center (VIAC), 2014: Case No. SCH-5317/Kn,

6. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards 1958 (New York Convention)

کند؛ با این حال در کنار مزایای عدیده رأی جزئی این نکته را نباید فراموش کرد که ممکن است رأی صادره جزئی در دادگاه‌های ملی به چالش کشیده شده و موجب شود ادامه فرآیند داوری تا زمان صدور رأی قطعی از دادگاه‌های دولتی به تعویق افتد (Final Report on Interim and Partial Awards, 1990: 28-29).

صدور رأی جزئی در بسیاری از قوانین ملی به صراحت در اختیار هیأت داوری قرار گرفته است. به عنوان مثال می‌توان به ماده ۱۸۸ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی سوئیس<sup>۱</sup> اشاره کرد که بیان می‌دارد: «مگر این که طرفین توافقی غیر از این داشته باشند، هیأت داوری می‌تواند رأی جزئی صادر کند».<sup>۲</sup> همین اختیار در ماده ۱۰۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی هلند،<sup>۳</sup> ماده ۱۹۸ قانون داوری بین‌المللی سنگاپور ۲۰۲۰<sup>۴</sup> و ماده ۲۹ قانون داوری سوئد مصوب ۱۹۹۹<sup>۵</sup> به داوران داده شده است. به همین ترتیب، قانون داوری انگلیس مصوب ۱۹۹۶ در ماده ۴۷<sup>۶</sup> به داور این اختیار را داده است که بیش از یک رأی در خصوص موضوعات مختلف در زمان‌های مختلف ناظر به کل یا بخشی از خواسته رأی صادر کند، مگر این که طرفین برخلاف این امر توافق کرده باشند. اگرچه قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه مصوب سال ۲۰۲۱<sup>۷</sup> به‌طور صریح به این موضوع اشاره نکرده است، اما همین قاعده در حقوق فرانسه نیز اعمال می‌شود (Fouchard et al. 1999: 742). قوانین داوری دیگر نیز دارای مقررات مشابهی هستند،<sup>۸</sup> همچنین در قواعد بین‌المللی مانند قواعد داوری آنسیترا<sup>۹</sup> ۲۰۲۱ نیز به‌طور ضمنی بر اختیار صدور رأی جزئی توسط داوران اشاره شده است که بیان می‌کند: «هیأت داوری می‌تواند در زمان‌های مختلف رأی‌های

1. Federal Act on Private International Law 1987.

2. Article 188: "Unless the parties have agreed otherwise, the arbitral tribunal may render partial awards".

3. Code of Civil Procedure 2014

4. International Arbitration Act 2020 Revised Edition.

5. The Swedish Arbitration Act 2018 Revised Edition

6. Arbitration Act 1996:

7. Code de procédure civile

8. See: e.g. German ZPO, 301, 1042; Chinese Arbitration Law, Art. 55; Indian Arbitration and Conciliation Act, Art. 31(6).

9. UNCITRAL Arbitration Rules 2021

جداگانه‌ای در مورد مسائل مختلف صادر کند». در قواعد سازمان‌های داوری نیز به این اختیار اشاره شده است، از جمله می‌توان به ماده ۴۴ قواعد موسسه داوری اتاق استکهلم<sup>۱</sup>، بند ۱ ماده ۵۱ قواعد داوری بین‌المللی سنگاپور<sup>۲</sup>، بند (b) ماده ۴۹ قواعد داوری تجاری انجمن داوری آمریکا<sup>۳</sup>، بند ۱ ماده ۳۴ قواعد مرکز داوری بین‌المللی دبی<sup>۴</sup>، بند ۳ ماده ۳۶ قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران<sup>۵</sup> و بند ۱ ماده ۳۵ قواعد داوری مرکز منطقه‌ای داوری تهران<sup>۶</sup> اشاره کرد. از طرفی دیگر خود طرفین نیز می‌توانند توافق کنند که دیوان داوری با صدور رأی جزئی در مورد یک مسأله خاص تصمیم‌گیری نماید. شایان ذکر است که قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی<sup>۷</sup> در خصوص اختیار داور در صدور رأی جزئی مقررهای ندارد. ریشه این امر به گزارش کارگروه کمیسیون داوری بین‌المللی این نهاد برمی‌گردد که در آن تصریح شده است در وهله اول، داور باید اراده طرفین را در خصوص صدور رأی جزئی و موقت جست‌وجو نماید و چنانچه هیچ توافقی در این خصوص بین طرفین وجود نداشته باشد، داور باید با اتکا به اختیارات خود اتخاذ تصمیم نماید، اما باید توجه داشته باشد که اصل بر صدور یک رأی نهایی است. از این رو داور مکلف است در به کارگیری اختیارات خود، ملاحظات متعددی از جمله صرفه‌جویی در زمان و هزینه‌ها برای طرفین، تضمین کارآمدی و اثربخشی روند داوری و نیز لزوم انجام اقدامات مقتضی جهت اطمینان از قابلیت اجرایی رأی صادره را مد نظر قرار دهد (Final Report on Interim and Partial Awards, 1990: 30).

در صورتی که هیچ قانون و مقرره‌ای وجود نداشته و توافقی هم میان طرفین صورت نگرفته باشد، دیوان داوری همچنان می‌تواند رأی جزئی صادر کند، مشروط

1. SCC Arbitration Rules 2023

2. Singapore International Arbitration Centre Arbitration Rules 2025

3. AAA Commercial Arbitration Rules 2022.

4. Dubai International Arbitration Rules 2022

۵. بند ۳ ماده ۳۶: «داور» می‌تواند در صورت تعدد دعاوی با تفکیک دعاوی که آماده صدور رأی باشد، نسبت به آن ختم رسیدگی را اعلام کرده و مبادرت به صدور رأی نماید و رسیدگی را نسبت به دعوا یا دعاوی دیگر ادامه دهد».

۶. بند ۱ ماده ۳۵: «دیوان داوری می‌تواند راجع به موضوعات مختلف و در زمان‌های مختلف آرای جداگانه دهد».

7. International Chamber of Commerce (ICC) Arbitration Rules 2021

بر این که این اقدام را در شرایط پرونده مناسب تشخیص بدهد (Lew et al. 2003: 633) و طرفین خلاف این موضوع توافق نکرده باشند. این اختیار ناشی از وظیفه ذاتی داوران در حل و فصل اختلافات به صورت کارآمد است (B. Born, 2012: 353).

## ۲. رأی نهایی و رأی جزئی

اصطلاح «رأی نهایی»<sup>۱</sup> برای اشاره به دو موقعیت مختلف به کار می‌رود. نخست، به رأی اطلاق می‌شود که توسط هیأت داوران در خصوص تمامی موضوعات اختلاف و تمامی مسائل دعوی که در فرایند داوران مورد بررسی قرار گرفته‌اند، صادر می‌شود و پایان دادرسی را اعلام می‌دارد و همچنین در «معرض هیچ نوع اعتراض اعم از درخواست ابطال یا پژوهش خواهی یا فرجام خواهی و یا هرگونه اعتراض دیگر نسبت به رأی نمی‌باشد» (جنیدی، ۱۳۹۵: ۲۶). این همان تعریفی است که در ماده (۱) ۳۲ قانون نمونه آنستیرال به کار رفته است: «رسیدگی داوران با صدور رأی نهایی خاتمه می‌یابد» (Lew et al. 2003: 632). هنگامی که رأی نهایی صادر می‌شود، اختیار دیوان داوران به پایان می‌رسد و داوران فاقد صلاحیت می‌شوند. رأی نهایی در این مفهوم با رأی جزئی تفاوت دارد؛ چراکه رأی جزئی بر خلاف رأی نهایی تنها بخشی از دعاوی طرفین را حل و فصل می‌کند.

عبارت رأی نهایی گاهی اوقات نیز برای توصیف رأیی استفاده می‌شود که در محل داوران به درجه کافی از نهایی بودن رسیده است (مثلاً از طریق تأیید یا صدور حکم اجرایی) (B. Born, 2012: 352). در این معنا، رأی جزئی نیز می‌تواند نهایی محسوب شود، حتی اگر به طور کامل اختلاف طرفین را حل نکرده یا فرایند داوران را به پایان نرسانده باشد، چنانچه دادگاه فدرال ایالت جورجیا نیز تصریح کرده است، رأی جزئی می‌تواند واجد وصف نهایی تلقی گردد مشروط بر آن که به طور قطعی و مستقل، یک ادعای جداگانه و قابل تفکیک از سایر ادعاها را حل و فصل نماید، حتی اگر همه دعاوی طرح شده در داوران را در بر نگیرد، در این راستا دادگاه تجدیدنظر ایالات متحده آمریکا در دعوایی<sup>۲</sup>، رأی جزئی داوران را مبنی بر محکومیت خوانده به پرداخت کرایه حمل کشتی، با وجود این که هنوز هیأت داوران سایر مسائل مربوطه

1. Final Award

2. U.S. Court of Appeals (2d Cir. 1986, 790 F.2d 2800)

را تعیین تکلیف نکرده بود، تأیید کرده و بر این نکته تأکید کرد که مسأله پرداخت کرایه امری مستقل از سایر موضوعات است که انصاف ایجاب می‌کند به صورت فوری پرداخت شود؛ زیرا هدف از داوری، حل و فصل سریع و ارزان اختلافات قراردادی است. در دعوایی<sup>۱</sup> مشابه، دادگاه تجدیدنظر ایالات متحده آمریکا مقرر کرد، هنگامی که طرفین توافق می‌کنند مراحل مسؤولیت و خسارت را تفکیک کنند، دادگاه می‌تواند رأی جزئی‌ای که توسط داور در خصوص تعیین مسأله مسؤولیت، پیش از تعیین خسارت صادر می‌شود را به دلیل نهایه تلقی شدن آن، بررسی کند. دادگاه برای تأیید نهایه بودن رأی جزئی در این پرونده توضیح می‌دهد که اگر داور قصد نداشت درباره مسؤولیت به‌طور قطعی تصمیم‌گیری کند، دلیلی نداشت که تصریح کند اختیار رسیدگی به مسائل باقی‌مانده را برای خود محفوظ نگه می‌دارد. با این حال، برخی محاکم بر این باورند که رأی داور تنها در صورتی می‌تواند واجد وصف نهایه تلقی گردد که به پایان یافتن کامل فرایند داوری و حل و فصل کلیه اختلافات مطروحه میان طرفین منتهی شود. در این دیدگاه، تفکیک ادعاها یا فصل جزئی دعوا به تنهایی برای احراز وصف نهایه بودن کافی نمی‌باشد. در همین راستا، دادگاه بخش در پرونده‌ای با استناد به رویه اتخاذ شده در دادگاه تجدیدنظر ایالت متحده، تصریح کرده است که محاکم بخش نمی‌توانند آرای داوری‌ای را که واجد وصف نهایه نیستند تأیید کنند.<sup>۲</sup>

### ۳. رأی موقت و رأی جزئی

اصطلاح «رأی موقت»<sup>۳</sup> گاهی مترادف با رأی جزئی به کار می‌رود؛ زیرا هر دو نوع رأی در مرحله‌ای میانی از داوری صادر می‌شوند و برخی دعاوی را تعیین تکلیف می‌کنند، پیش از آن‌که تمام مسائل حل و فصل شوند (B. Born, 2012: 353). در این کاربرد، رأی موقت تفاوتی با رأی جزئی ندارد، اما این اصطلاح گاهی در معنای اخص که در واقع همان دستور موقت موضوع ماده ۱۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی می‌باشد، دانسته شده است (شیروی، ۱۳۹۱: ۲۶۰)، در خصوص

1. U.S. Court of Appeals (1st Cir), 2001, 244 F.3d 231

2. "When Is an Interim International Arbitral Award 'Final' Enough for Judicial Enforcement?" Mintz.com

3. Interim Awards

آرایی به کار گرفته می‌شود که به‌طور نهایی در مورد یک مطالبه خاص تصمیم‌گیری نمی‌کند، بلکه تنها یک مسأله مقدماتی را که برای تعیین تکلیف موضوع اختلاف ضروری و فوری است مشخص می‌کند. در تعریفی دیگر رأی موقت اصطلاح عامی دانسته شده است که برای توصیف هر رأیی که قبل از آخرین رأی در پرونده صادر می‌شود (Final Report on Interim and Partial Awards, 1990: 27). برخی از مفسران نیز در تمایز بین این دو رأی به این نکته اشاره می‌کنند که آرایی جزئی به ادعاهای اساسی اشاره دارند، در حالی که آرایی موقت به مسائلی مانند قانون حاکم اشاره دارند (Moses, 2008: 181).

مستفاد از موارد بیان شده به‌طور کلی می‌توان گفت رأی جزئی به مسائل خاص و مهمی می‌پردازد که می‌تواند به حل مسائل بزرگ‌تر کمک کند مانند صلاحیت دیوان داور یا قانون حاکم بر دعوی؛ در حالی که رأی موقت به هدف جلوگیری از ضرر فوری صادر می‌شود و فقط برای مدت خاص و برای مسائل خاصی مانند جلوگیری از خسارت فوری صادر می‌شود و معمولاً برای محافظت از وضعیت موجود تا صدور تصمیم نهایی می‌باشد. به عنوان مثال در دعواییداوران رأی موقتی مبنی بر الزام خواننده به اجرای قرارداد تا زمان صدور رأی نهایی صادر کردند و این رأی نیز در نهایت مورد تأیید دادگاه تجدیدنظر ایالات متحده آمریکا قرار گرفت.

#### ۴. آثار رأی جزئی

رأی داور به عنوان پایان بخش فرایند داور، آثار متعددی دارد. همان‌گونه که مورد اشاره قرار گرفته است، رأی داور به واسطه صدور آن در چارچوب صلاحیت مرجع داور و بر مبنای موافقت‌نامه طرفین دارای ارزش اثباتی است و به مانند یک سند معتبر قابل استناد می‌باشد (مافی و روشنایی، ۱۳۹۴: ۳۳). رأی داور مانند رأی دادگاه دارای اثر نسبی بوده و درباره طرفین دعوا و شخص ثالثی که به داور جلب یا وارد شده است و قائم‌مقام آن‌ها معتبر است (نیکبخت، ۱۴۰۲: ۵۳). صدور رأی، نقطه پایانی رسیدگی داور بوده و به منزله خاتمه مأموریت داوران محسوب می‌شود (خزاعی، ۱۳۸۶: ۱۱۵). داور پس از صدور رأی، جز در موارد استثنایی و در مواعد تعیین شده،<sup>۱</sup> حق تغییر در رأی را ندارد. چنانچه داور به اختلافی

۱. به عنوان مثال مطابق ماده (۱) ۳۶ قواعد داور، اتفاق بازرگانی بین‌المللی داور می‌تواند ظرف سی

رسیدگی کرده و منجر به صدور رأی نهایی شده باشد، این رأی قطعی و الزام آور بوده و دارای اعتبار امر مختومه می باشد و مانع از آن می شود که همان دعوا بین همان طرفین مجدداً در دادگاه یا داوری مطرح شود (Moses, 2008: 189). یکی از تمایزات و عوامل گرایش روزافزون به نهاد داوری، قابلیت شناسایی و اجرای آرای داوری<sup>۱</sup> است. اثربخشی غایی فرایند داوری منوط به قابلیت اجرای آرای صادره است؛ چرا که عدم قطعیت در مراجع اجرایی، تصمیمات داور را به نهادهایی بی اثر و فاقد ارزش کارکردی مبدل می سازد. به همین جهت وجود یک مکانیسم اجرایی کارآمد نه تنها موجبات ارتقا و توسعه جایگاه داوری را فراهم می آورد، بلکه به عنوان یک محرک روانی، محکوم علیه را به سمت اجرای اختیاری و داوطلبانه مفاد رأی سوق می دهد (نیکبخت، ۱۳۸۵: ۵).

اکنون سؤالی که مطرح می شود این است که آیا رأی جزئی همانند رأیی که به تمام خواسته های طرفین رسیدگی کرده و منجر به ختم رسیدگی شده است، دارای آثار فوق الاشاره می باشد یا باید در خصوص این قسم از رأی قائل به آثار ویژه ای بود. همان گونه که مورد اشاره قرار گرفت رأی جزئی در خصوص بخشی از خواسته به صورت نهایی تصمیم گیری می کند و به نظر می رسد که این نوع رأی در این خصوص دارای ویژگی ای نمی باشد که موجب تمایز ویژه از آرای نهایی شده و قائل به آثار به خصوصی باشیم؛ بنابراین رأی جزئی نیز دارای اثر نسبی بوده، موجب فراغ داور

---

روز از تاریخ ابلاغ رأی اشتباهات محاسباتی یا نوشتاری موجود در رأی را اصلاح نماید و یا مطابق بند سوم از همان ماده در صورتی که دیوان داوری در رأی صادره، نسبت به برخی دعاوی مطرح شده در جریان داوری تصمیم گیری نکرده باشد، هر یک از طرفین می تواند ظرف سی روز از تاریخ دریافت رأی، درخواست صدور رأی تکمیلی را به دبیرخانه ارائه نماید، در این صورت داور باید حداکثر سی روز پس از انقضای مهلت ارائه نظرات طرف مقابل، یا ظرف مدت دیگری که دیوان تعیین کند، در قالب پیش نویس به دیوان بین المللی داوری ارائه دهد. همچنین مقررات مشابهی در ماده ۵۷ قانون داوری انگلیس مصوب ۱۹۹۶، ماده ۱۸۹۸ قانون حقوق بین الملل خصوصی سوئیس مصوب ۱۹۸۷، مواد ۳۸ و ۳۹ قانون نمونه آنسیترال ۲۰۲۱، مواد ۴۷ و ۴۸ قواعد داوری اتاق بازرگانی استکهلم ۲۰۲۳ و ماده ۲۷ قواعد داوری دیوان داوری بین المللی لندن وجود دارد.

۱. مبرهن است که باید شناسایی و اجرا را دو مرحله را جداگانه دانسته و قائل به تفکیک بود، به گونه ای که شناسایی یک فرآیند دفاعی است که هدف آن تأیید اعتبار رأی داوری به منظور جلوگیری از طرح مجدد دعاوی مشابه در مورد مسائلی است که در رأی داوری مورد رسیدگی قرار گرفته اند، اما اجرای رأی یک گام فراتر از شناسایی است، به گونه ای که در فرایند اجرا، محکوم له داوری از دادگاه تقاضای کند تا رأی داوری به طور کامل اجرا شود و خسارتی که مستحق آن است را دریافت دارد (Kronke & Al, 2010: 7).

نسبت به موضوع رسیدگی شده و دارای اعتبار امر مختومه می‌باشد. آنچه که در این میان نیازمند توجه ویژه است، قابلیت شناسایی و اجرای آرای جزئی می‌باشد. در اکثر کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ و کنوانسیون اروپایی داوری تجاری بین‌المللی ۱۹۶۱<sup>۱</sup>، راجع به رأی جزئی و امکان یا عدم امکان شمول رژیم اجرایی کنوانسیون‌های مزبور نسبت به این گونه آرا اشاره‌ای نشده است (جنیدی، ۱۳۹۵: ۲۶).

برخی از نویسندگان (جنیدی، ۱۳۹۵: ۲۷ و ۲۸) عمده‌ترین علل تردید در خصوص اعتبار و قابلیت اجرای آرای جزئی را در این دانسته‌اند که از یک سو اگر رأی نهایی به دنبال رأی جزئی صادر نشود موجب تخطی از موافقت‌نامه داوری و انحراف از اراده طرفین تلقی می‌شود و در نتیجه واجد شرایط لازم برای اجرا نخواهد بود و در صورت اجرا، چنانچه رأی نهایی صادر نشود امکان رفع اثر و اعاده به وضع پیشین دشوار می‌نماید و از سوی دیگر رأی جزئی که به تمام خواسته‌های طرفین رسیدگی و تعیین تکلیف نکرده ممکن است به واسطه مشکلات عملی، در نظام‌های حقوق ملی قابل اعتراض تلقی نشود و در نتیجه رأیی که قابل اعتراض نباشد، قابلیت اجرا هم نخواهد داشت. در نهایت نویسنده محترم امکان شروع به رسیدگی‌های مربوط به شناسایی و اجرای رأی جزئی را مشروط به الزام‌آور بودن، حتی در صورت اعتراض به آن در کشور مبدأ را در داوری‌های بین‌المللی پذیرفته‌اند.

همان‌گونه که مورد اشاره قرار گرفت کنوانسیون نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای آرای جزئی سکوت اختیار کرده است. این کنوانسیون در قسمت سوم از بند یک ماده ۵ در خصوص رأیی که داور از حدود اختیارات خود در موافقت‌نامه داوری تجاوز کرده باشد در صورتی که بخش مورد تجاوز قابل تفکیک باشد، دادگاه را مخیر کرده است آن قسمتی که در حدود اختیارات بوده است را شناسایی و اجرا کند.<sup>۲</sup>

دعوایی<sup>۳</sup> بین یک شرکت فرانسوی و آمریکایی در خصوص اختلاف ناشی

1. European Convention on International Commercial Arbitration

۲. در این خصوص، در ماده ۳۶ قانون نمونه آنسیترال (اصلاحی ۲۰۰۶) موضع مشابهی اتخاذ شده است.

3. U.S. District Court for the Northern District of Georgia, 1980: 484 F. Supp. 1063

از قیمت‌گذاری و کیفیت کالا در داوری مطرح شده بود. در این دعوی شرکت آمریکایی به پرداخت بهره بر اساس نرخ پایه بهره در فرانسه محکوم شد و بر اساس حقوق فرانسه مقرر گردید که نرخ بهره دو ماه پس از تاریخ صدور رأی، پنج درصد افزایش یابد. دادگاه ایالات متحده آمریکا در مقام شناسایی و اجرای رأی داوری، ضمن تأیید نرخ بهره پایه فرانسه، اجرای آن بخش از رأی داوری را که افزایش پنج درصدی نرخ بهره را مقرر کرده بود، به دلیل عدم قابلیت مطالبه خسارت تنبیهی در دعاوی نقض قراردادی (مگر در صورت وجود تقصیر) در حقوق ایالات متحده آمریکا رد کرد و براین اساس حکم به شناسایی و اجرای قسمتی از رأی داوری نمود. در دعوایی دیگر<sup>۱</sup> دادگاه ضمن استناد به دعوای اخیرالذکر، عدم اجرای بخش قابل تفکیک رأی داوری را که مورد قبول طرفین بوده است را مغایر با روح حاکم بر کنوانسیون نیویورک دانسته و صرفاً بخشی از رأی داوری را شناسایی و مورد اجرا قرار داد.<sup>۲</sup>

قانون داوری انگلیس مصوب ۱۹۹۶ در قسمت چهارم از ماده ۱۰۳<sup>۳</sup> مقرره‌ای مشابه کنوانسیون نیویورک دارد و اجرای بخش داخل در صلاحیت داوران را به شرط قابلیت تفکیک، تجویز نموده و در دعوایی<sup>۴</sup> برای اولین در سال ۲۰۰۸ مورد بررسی دقیق قرار گرفته است. دادگاه هدف کنوانسیون نیویورک را تضمین اجرای مؤثر و سریع آرای داوری بین‌المللی دانسته و ضمن تصریح به عدم وجود مانع بر اجرای بخشی از رأی به شرط قابل تفکیک بودن، حکم به اجرای بخشی از رأی را صادر نموده است (King and Meredith, 2010: 387).

کنوانسیون نیویورک برخی قوانین ملی و رویه‌های قضایی اجرای بخشی از

1. Supreme Court of Hong Kong, 1992: HCMP000751/1992

2. See, e.g. GOCIC of the Arab Republic of Syria v. SpA Simer (Societa delle Industrie Meccaniche di Rovereto), Court of Appeal, Trento, 14 January 1981, (anon. Austria) v. Seller (anon. Serbia and Montenegro)," Decision of the Oberster Gerichtsof (Austrian Supreme Court), 25 January 2005.

3. Article 103(4): An award which contains decisions on matters not submitted to arbitration may be recognised or enforced to the extent that it contains decisions on matters submitted to arbitration which can be separated from those on matters not so submitted.

4. (England and Wales Court of Appeal, 2008: A3/2008/1037.PTA+(A))

رأی داوری را پذیرفته است، ولی در خصوص اجرای رأی جزئی مقررهای مشاهده نمی‌شود. افزون بر آن که رأی جزئی، رأی در معنای دقیق کلمه بوده و دارای ویژگی به خصوصی نسبت به آرای نهایی از حیث الزام‌آور بودن نمی‌باشد، می‌توان در راستای تسهیل و اجرای مؤثر آرا و حمایت از فرایند داوری، از اجرای بخشی از رأی الغای خصوصیت نموده و قائل به شناسایی و اجرای آرای جزئی با استناد به مقررات اخیرالذکر شد.

### ۵. حقوق ایران

تصویب قانون داوری تجاری بین‌الملل<sup>۱</sup> در سال ۱۳۷۶ را می‌توان به منزله نقطه عطفی در سیر تحولات قوانین داوری در ایران دانست که بی‌تردید، دستاوردی برجسته در نظام حقوقی کشور محسوب می‌شود. گفته شده است که این قانون ارکان متشکله نهاد داوری در حقوق ایران را تکمیل می‌کند و در کنار مقررات داوری داخلی مصرح در قانون آیین دادرسی مدنی، تصویری شفاف و نسبتاً جامع از جایگاه این نهاد در ایران ارائه می‌دهد (افتخار جهرمی، ۱۳۷۸: ۱۴). چارچوب قانونی حاکم بر داوری تجاری بین‌المللی، بستر حقوقی ویژه‌ای را برای حل و فصل دعاوی فرامرزی ایجاد کرده است که بخش عمده‌ای از بدایع و محاسن خود را وامدار الگوبرداری از قانون نمونه آنسیترال می‌داند. با این وصف، نظام تقنینی مذکور از بوته نقد مبرا نبوده و با چالش‌های ساختاری مواجه است؛ آسیب‌هایی که اساساً از انحراف غیراصولی و زاویه گرفتن بی‌پشتوانه مقنن از قانون نمونه نشأت گرفته است (صفایی، ۱۳۷۷: ۸ و ۹).

در باب هفتم از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و قانون داوری تجاری بین‌المللی تعریفی از رأی جزئی و اختیار یا عدم اختیار داور در خصوص صدور این نوع رأی مشاهده نمی‌شود. برخلاف ماده ۸۲<sup>۲</sup> پیش‌نویس قانون جامع داوری<sup>۳</sup> که رأی داوری را نفیاً یا اثباتاً ناظر

۱. در تدوین قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران به میزان چشمگیری از قانون نمونه کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل (آنسیترال) در مورد داوری تجاری بین‌المللی نسخه ۱۹۸۵ الگوبرداری شده و در عین حال تغییراتی در جهت تطبیق با شرایط داخلی ایران داده شده است (سیفی، ۱۳۷۷: ۴۵ و ۵۲).

۲. ماده ۸۲: «رأی داور باید نفیاً یا اثباتاً ناظر بر تمام خواسته خواهان و قاطع اختلاف باشد».

۳. پیش‌نویس قانون جامع داوری ایران، موضوع بند ۲ شق «و» ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه

بر تمام خواسته دانسته و عدم اختیار داور در صدور رأی جزئی استنباط می‌شود، طرح جامع داوری<sup>۱</sup> در بخش دوم ماده ۴۲ به داور این اختیار را داده است که: «در صورت تعدد دعاوی اعم از اصلی و طاری، با تفکیک دعوایی که معد صدور رأی باشد، نسبت به آن ختم رسیدگی را اعلام و رسیدگی نسبت به دعوا یا دعاوی دیگر را ادامه دهد».

اکنون سؤالی که پیش می‌آید این است که در سکوت قوانین فعلی و عدم تصویب طرح اخیرالشاره، آیا داور اختیار صدور رأی جزئی را دارد؟ آنچه مسلم است این است که در صورتی که در موافقت‌نامه داوری یا قرارنامه داوری<sup>۲</sup> این اختیار از سوی طرفین به داور داده شده باشد، در راستای اصل حاکمیت اراده «داوران در محدوده موافقت‌نامه داوری و مقررات داوری به «قضاوت» می‌پردازند» (شمس، ۱۴۰۰: ۵۴۷).

در فرض سکوت هر یک از موافقت‌نامه یا قرارنامه داوری به نظر می‌رسد که می‌توان از یک‌سو با توسل به بخش پایانی ماده ۱۰۴<sup>۳</sup> و ۲۹۸<sup>۴</sup> قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی که در صورت تجزیه‌پذیر بودن دعوا، دادگاه فقط نسبت به قسمتی که مقتضی صدور رأی است انشا رأی نموده و نسبت

---

اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، کارفرما: معاونت پیشگیری از جرم و حفاظت اجتماعی قوه قضاییه، مجری: مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران  
۱. این طرح از سوی سی و پنج نفر از نمایندگان تقدیم رئیس مجلس شورای اسلامی شده و در مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۵ اعلام وصول گردیده است.

## 2. Terms of Reference

۳. ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی: «... در صورتی که دعوا قابل تجزیه بوده و فقط قسمتی از آن مقتضی صدور رأی باشد، دادگاه نسبت به همان قسمت رأی می‌دهد و نسبت به قسمتی دیگر رسیدگی را ادامه خواهد داد».

۴. ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی: «در صورتی که دعوا قابل تجزیه بوده و فقط قسمتی از آن مقتضی صدور رأی باشد با درخواست خواهان، دادگاه مکلف به انشای رأی نسبت به همان قسمت می‌باشد و نسبت به قسمت دیگر، رسیدگی را ادامه می‌دهد».

۵. شایان ذکر است که باید میان دو مفهوم «دعوی قابل تجزیه» موضوع مواد ۱۰۴ و ۲۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی و «رأی قابل تجزیه و تفکیک» موضوع مواد ۳۰۸، ۳۵۹، ۴۰۴ و ۴۲۵ همان قانون قائل به تفکیک شد، به گونه‌ای که «هرگاه مسأله جدا کردن بخشی از خواسته و صدور رأی در زمینه آن قسمت از خواسته که مقتضی صدور رأی است باشد، موضوع ناظر به «قابلیت تجزیه دعوا» است و هرگاه مسأله سرایت رأی به اشخاصی در میان باشد که در دادرسی ناشی از اعمال یک طریقه شکایت «شرکت نکرده‌اند» یا «شرکت داده نشده‌اند»، موضوع به «رأی قابل یا غیر قابل تجزیه و تفکیک» مربوط است» (محسنی، ۱۳۹۷: ۲۱۹).

به قسمت دیگر رسیدگی را ادامه دهد و از سوی دیگر افزون بر وظیفه ذاتی داوران در حل و فصل اختلافات به صورت کارآمد، می‌توان از جواز حاصل از بند دو ماده ۱۹ قانون داورى تجارى بين‌المللى استفاده نمود و داور را در راستای تصدی و اداره فرایند داورى به نحو مقتضى، مجاز به صدور رأى جزئى شناخت. البته مبرهن است که مقررۀ ماده ۱۹ قانون داورى تجارى بين‌المللى محدود به داورى‌هاى بين‌المللى نبوده و در صورتى که مقررات این قانون به ویژگی بين‌المللى داورى مرتبط نباشد، می‌تواند به عنوان ابزارى برای تکمیل و رفع خلأهاى موجود در قانون آیین دادرسى مدنى مورد استناد قرار گیرد (شعاریان، ۱۴۰۲: ۳۰۱)، همچنین «وفق بند ۱ ماده ۳۶ قانون داورى تجارى بين‌المللى مصوب ۱۳۷۶: «داورى اختلافات تجارى بين‌المللى موضوع این قانون از شمول قواعد داورى مندرج در قانون آیین دادرسى مدنى و سایر قوانین و مقررات مستثنى است». بر این اساس، در واقع نمی‌توان از مقررات قانون آیین دادرسى مدنى در قانون داورى تجارى بين‌المللى استفاده کرد، اما مفهوم مخالف همین متن، دلالت بر این دارد که از مفاد قانون داورى تجارى بين‌المللى می‌توان و باید در همه داورى‌ها بهره برد؛ زیرا این قانون، مهم‌ترین اصول داورى را در هر شرایطى پیش‌بینى کرده است و نمی‌توان به آن بی‌توجه بود»<sup>۱</sup>.

افزون بر موارد مورد اشاره در بالا، اگرچه مقررات باب هفتم قانون آیین دادرسى دادگاه‌هاى عمومى و انقلاب در امور مدنى و قانون داورى تجارى بين‌المللى در خصوص رأى جزئى صراحتى ندارند، اما امکان صدور چنین رأى را از ماده ۱۶ قانون داورى تجارى بين‌المللى می‌توان استنباط نمود.

ماده ۱۶ در مقام بیان اصل صلاحیت بر صلاحیت می‌باشد (مافى، ۱۳۹۵: ۲۰۴)، به گونه‌ای که «داور می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقت‌نامه داورى اتخاذ تصمیم کند». بند ۳ این ماده داور را ملزم نموده است که در خصوص ایراد به اصل صلاحیت و یا به وجود و یا اعتبار موافقت‌نامه داورى به عنوان یک امر مقدماتى قبل از ورود به ماهیت دعوى یا در ضمن رأى ماهوى اتخاذ تصمیم کند، «چنانچه داور به عنوان یک امر مقدماتى به صلاحیت خود

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۰۵۶۳۴۵۴ مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۵ به نقل از: فضلوى و بزرگمهر، ۱۴۰۱:

نظر بدهد، هر یک از طرفین می تواند ظرف سی روز پس از وصول ابلاغیه آن از دادگاه مندرج در ماده ۶ درخواست کند که نسبت به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید؛ بنابراین همان گونه که مشاهده می شود داور می تواند نسبت به صلاحیت خود و وجود یا اعتبار موافقت نامه داوری به عنوان امر مقدماتی رأی صادر کند، این امر بیانگر آن است که در حالی که داوری در جریان می باشد، داور می تواند نسبت به بخشی از خواسته رأی صادر کند و این رأی نیز قابل اعتراض در مرجع صالح باشد؛ به عبارت دیگر رأیی که جواز صدور آن در بند ۳ ماده ۱۶ داده شده است مصداقی از رأی جزئی بوده در نتیجه تردیدی در امکان صدور چنین رأیی باقی نمی ماند، اگرچه این امر به صورت قاعده ای کلی و مستقل بیان نشده باشد.

ممکن است ایراد شود که با وجود ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی<sup>۱</sup> که داوران را در رسیدگی و رأی تابع قانون آیین دادرسی مدنی ندانسته و به رعایت مقررات داوری مکلف کرده است، نمی توان به مواد ۱۰۴ و ۲۹۸ این قانون که در مقام تبیین مسائل مربوط به جلسه دادرسی و صدور و انشای رأی توسط دادگاه می باشد، تمسک جست. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد هدف وضع ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی می باشد. همانطور که برخی از حقوق دانان گفته اند هدف وضع این ماده چیزی جز تعدیل تشریفات مربوط به رسیدگی در دادگاه به منظور تسریع رسیدگی داور و تشویق رجوع به داوری نمی باشد (شمس، ۱۴۰۰/۳: ۵۴۳)؛ بنابراین توسل به مقرراتی که هم سو با اهداف پیش گفته می باشد نه تنها با مانعی مواجه نمی باشد، بلکه باید مورد تأکید نیز قرار گیرد.

۱. ماده ۴۷۷: « داوران در رسیدگی و رأی، تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند.»

## برآمد

۱- رأی جزئی به عنوان ابزاری در مدیریت فرایند داوری، نقشی اساسی در افزایش سرعت، کاهش هزینه‌ها و مدیریت دعاوی پیچیده ایفا می‌کند. این رأی به تصمیم نهایی و قطعی هیأت داوری نسبت به بخشی از موضوعات قابل تفکیک اختلاف اطلاق می‌شود.

۲- در نظام‌های حقوقی پیشرو و قواعد داوری بین‌المللی پذیرفته شده است. قوانین ملی کشورهایی نظیر سوئیس، انگلستان و سنگاپور و همچنین قواعد سازمان‌های داوری معتبر مانند مرکز داوری استکهلم و مرکز داوری بین‌المللی سنگاپور به صراحت اختیار صدور چنین رأیی را برای داوران به رسمیت شناخته‌اند. این رویکرد بین‌المللی بر این اصل استوار است که رأی جزئی، هر چند به کل اختلاف پایان نمی‌دهد، اما در محدوده موضوعی خود نهایی تلقی شده و آثاری همچون اعتبار امر مختومه و فراغ داور را به همراه دارد و از قابلیت اجرایی برخوردار است. قابلیت اجرای این آراء، به‌رغم سکوت کنوانسیون نیویورک، با استناد به مقرره مربوط به اجرای بخشی از رأی و رویه‌های قضایی قابل استنتاج است.

۳- نظام حقوقی ایران با سکوت قانون‌گذار در خصوص رأی جزئی مواجه است. نه در باب هفتم قانون آیین دادرسی مدنی و نه در قانون داوری تجاری بین‌المللی، تعریف یا مقرره‌ای صریح در این زمینه یافت نمی‌شود. این خلأ قانونی می‌تواند منجر به ایجاد تردید و چالش‌هایی در فرایندهای داوری داخلی و بین‌المللی به میزبانی ایران شود؛ با این حال این سکوت به معنای ممنوعیت نیست و می‌توان جواز صدور رأی جزئی را از مقررات موجود استنباط کرد. نخست، اصل حاکمیت اراده به طرفین اجازه می‌دهد تا اختیار صدور رأی جزئی را در موافقت‌نامه داوری پیش‌بینی کنند؛ دوم، از طریق قیاس با مواد ۱۰۴ و ۲۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی که به دادگاه اجازه صدور رأی نسبت به بخش‌های قابل تجزیه دعوا را می‌دهد، می‌توان این اختیار را برای داور نیز قائل شد؛ سوم، بند ۲ ماده ۱۹ قانون داوری تجاری بین‌المللی که به داور اختیار اداره فرایند داوری به نحو مقتضی را اعطا می‌کند و همچنین بند ۳ ماده ۱۶ همان قانون که به داور اجازه می‌دهد تا در مورد صلاحیت خود به عنوان یک امر مقدماتی تصمیم‌گیری نماید.

۴- اگرچه امکان صدور رأی جزئی در حقوق ایران از طریق تفسیر قوانین و اصول کلی حقوقی قابل دفاع است، اما فقدان نص صریح قانونی یک نقطه ضعف به شمار می آید. از این رو، پیشنهاد می شود که قانون گذار ایرانی با الهام از تحولات بین المللی، به صورت مشخص این نوع رأی را تعریف کرده و شرایط و آثار آن را تبیین نماید.

## فهرست منابع

## الف. فارسی

- \* افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۷۸)، «تحولات نهاد داوری در قوانین موضوعه ایران: دستاورد آن در حوزه داوری بین‌المللی»، تحقیقات حقوقی، دوره ۲، شماره ۲۷-۲۸.
- \* جنیدی، لعلیا (۱۳۹۵)، اجرای آرای داوری بازرگانی بین‌المللی، تهران: شهر دانش.
- \* خزاعی، حسین (۱۳۸۶)، «رأی داور در حقوق داخلی تجارت بین‌المللی»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۷، شماره ۳.
- \* سیفی، سید جمال (۱۳۷۷)، «قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران هم‌سو با قانون نمونه داوری آنسترال»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۶، شماره ۲۳.
- \* شعاریان، ابراهیم (۱۴۰۲)، موافقت‌نامه داوری از انعقاد تا انحلال در پرتو حقوق داوری داخلی و بین‌المللی، تهران: شهر دانش.
- \* شمس، عبدالله (۱۴۰۰)، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، جلد سوم، تهران: دراک.
- \* شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۱)، داوری تجاری بین‌المللی، تهران: سمت.
- \* صفایی، سید حسین (۱۳۷۷)، «سخنی چند درباره نوآوری‌ها و نارسایی‌های قانون داوری تجاری بین‌المللی»، دوره ۴۰، شماره ۰.
- \* فضلی، حسن و بزرگمهر، امیرعباس (۱۴۰۱)، تحلیل آیین دادرسی و جهات ابطال رأی داوری در رویه قضایی داخلی، تهران: دادگستری کل استان تهران.
- \* مافی، همایون (۱۳۹۵)، شرحی بر قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، تهران: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- \* مافی، همایون و روشنایی، ریحانه (۱۳۹۴)، «آثار رأی داوری»، فقه و تاریخ تمدن، دوره ۱، شماره ۴.
- \* محسنی، حسن (۱۳۹۷)، «مفهوم و آیین دادرسی دعوا و رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک»، حقوق خصوصی، شماره ۳۳.
- \* نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۸۵)، شناسایی و اجرای آراء داوری‌های تجاری

بین‌المللی در ایران، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.  
 \* نیکبخت، حمیدرضا (۱۴۰۲)، داوری «اختلافات مدنی-بازرگانی» کتاب راهنمای  
 عمل، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.  
 ب. انگلیسی

\* Born, Gary B. (2012), **International Arbitration: Law and Practice**. the Netherlands: Kluwer Law International.

\* Final Report on Interim and Partial Awards, ICC International Court of Arbitration Bulletin Vol. 1 No. 2, 1990, <https://jusmundi.com/en/document/publication/en-final-report-on-interim-and-partial-awards>. Accessed 15 Apr. 2025

\* Fouchard, Philippe, Emmanuel Gaillard, Berthold Goldman, and John Savage. (1999), **Fouchard, Gaillard, Goldman on International Commercial Arbitration**. The Hague; Boston: Kluwer Law International.

\* King, M. and I. Meredith. (2010), **“Partial Enforcement of International Arbitration Awards.”** *Arbitration International* 26, no. 3: 381–90.

\* Kronke, Herbert, and Et Al. (2010), **Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards: A Global Commentary on the New York Convention**. Alphen Aan Den Rijn, The Netherlands: Kluwer Law International; Austin.

\* Lew, Julian D M, Loukas A Mistelis, and Stefan Kröll. (2003), **Comparative International Commercial Arbitration**. The Hague; New York: Kluwer Law International.

\* Moses, Margaret L. (2008), **The Principles and Practice of International Commercial Arbitration**. Cambridge University Press.

\* “When Is an Interim International Arbitral Award ‘Final’ Enough

for Judicial Enforcement?,” Mintz.com, December 18, 2019, <https://www.mintz.com/insights-center/viewpoints/2196/2019-12-when-interim-international-arbitral-award-final-enough>. Accessed 15 Apr. 2025

### **Documents:**

- \* Code of Civil Procedure of the Netherlands (4 February 2014)
- \* Commercial Arbitration rules of American Arbitration Association 2013
- \* Dubai International Arbitration Centre (DIAC) Arbitration Rules 2022
- \* Federal Act on Private International Law (PILA) of 18 December 1987 (Status as of 1 January 2025)
- \* International Arbitration Act of Singapore 1994 (2020 REVISED EDITION)
- \* International Chamber of Commerce (ICC) Arbitration Rules 2021
- \* International Chamber of Commerce. 1995. Partial Award in ICC Case No 8113. Yearbook Commercial Arbitration 25: 323.
- \* Singapore International Arbitration Centre Arbitration Rules 7th Edition, 1 January 2025
- \* Stockholm Chamber of Commerce (SCC) Arbitration Rules 2023
- \* Swiss Federal Court March 15, 1993 AFT 119, II, 271, Clunet 1996
- \* The Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (“New York Convention”) 1958
- \* The English Arbitration Act 1996 (Amended 2025)
- \* The London Court of International Arbitration (LCIA) Rules 2020
- \* The Swedish Arbitration Act (The Swedish Code of Statutes (SFS) 1999:116, updated as per SFS 2018:1954)